

باز یگری، کارگردانی و کار گروهی را تجربه کنند و هم اثری که تولید می شود مناسب مخاطب نوجوان باشد. در طول روزهای اجرا حداقل نیمی از سالن توسط نوجوانان پر شد، برای ما بسیار خوشایند بود که بچه های ۱۴ تا ۱۸ ساله با هم فرار بگذارند، بیایند و تئاتری که مختص دغدغه های خود آنهاست را ببینند.

یکی از شاخصه های اصلی نسل نوجوان امروز ما این است که به شدت جهانی و شبیه هم نسلان خودشان در کشورهای دیگر هستند از تاثیر این ویژگی بر روند کار بگویید.

نرگس اصغری: دقیقاً همان گونه که شما می فرمایید بچه های ما امروز بسیار جهانی شده اند و فراتر از مرزها فکر می کنند و ما تلاش می کنیم به این بلند پروازی هاییشان و افکاری که دارند بها بدهیم. گاهی در حین کار بچه ها نقدها و نظراتی در مورد متن، کارگردانی، تبلیغات و غیره دارند و تقریباً در همه موارد همواره صاحب نظر هستند. ما سعی می کنیم در گروهی که داریم راه را باز کنیم و اجازه بدهیم که این نوجوانان بخشی از کار را بر اساس توانایی هاییشان بر عهده بگیرند و محیط را باز کنیم تا بچه ها بتوانند فرامرزی فکر کنند و کارهایی که فکر می کنند در توانشان هست حتی به شکل مختصر انجام دهند.

آیا می توانیم بگوییم که این نسل چهار چوب های خشک است و شاگردی در تئاتر را می شکنند؟

نرگس اصغری: بله دقیقاً همینطور است. این کار را می کنند و ما هم به آنها برای انجامش میدان می دهیم. البته در ابتدای امر بر اساس اینکه نمی دانند چه واکنشی خواهند گرفت با تردید این کار را انجام می دهند اما وقتی محیط را صمیمانه می بینند و می دانند که ما به حرفشان گوش می دهیم این ارتباط شکل دیگری به خود می گیرد و حقیقتاً هم اگر ما این انعطاف را نداشته باشیم نمی توانیم با نوجوانان کار و تعامل کنیم و این مسئله، خود به باز بودن فضای تئاتر و فضای گفت و گو در تئاتر باز می گردد. بنابراین ما در ابتدا با این بچه ها دوست و بعد وارد فضای تعامل و کار تئاتر می شویم.

مسلمای یکی از بزرگترین ویژگی های تئاتر این است که روی مخاطبش از طریق هم ذات پنداری و کاتارسیس تاثیر می گذارد اما بخشی از این مسئله و تاثیر روی خود باز یگر و اجرا کنندگان تئاتر است. آیا در طول این مدت شاهد تاثیرات تئاتر روی هنر جوهای خود نیز بوده اید؟

نرگس اصغری: بله به نکته بسیار خوبی اشاره کردید ما در همین گروه نوجوانانی داشتیم که مشاوره دریافت می کردند به جهت اینکه تعامل برقرار نمی کردند، حرف نمی زدند و نمی توانستند ارتباط خوبی بگیرند و این خیلی برای ما خوشایند

است که می بینیم به مرور این دیوار شکسته می شود و روی صحنه خیلی راحت با دوستانشان تعامل می کنند و خدا را شکر این پروسه ای که می گویند درست مثل یک پروسه درمانی عمل کرده است.

در زمینه سالن و امکانات اجرایی برای نوجوان در چه وضعی هستیم؟

داود زارع: ما چیزی به عنوان سالن تخصصی تئاتر نوجوان نداریم، چون تئاتر نوجوان نداریم. نوجوان در مملکت ماکشورها شده است و انگار چیزی به نام نوجوانی نداریم و صرفاً از مرحله کودکی به بزرگسالی پر تاب می شویم. در حالی که سن نوجوانی و به خصوص ۱۶ سالگی که ما در این اثر هم به آن اشاره و ویژه ای داشتیم سنی است که بچه ها کم کم آماده می شوند تا وارد سن جوانی شوند و می خواهند خودشان را پیدا کنند. انتخاب رشته کرده و به دانشگاه بروند و برای آینده شان تصمیم بگیرند. ما برای تئاتر نوجوان نیاز به متن های متناسب داریم و اگر سالی مختص به تئاتر نوجوان نداریم می توانیم حداقل یک سانس مختص تئاتر نوجوان در سالن های مختلف داشته باشیم. یک نوجوان دوست ندارد که کنار یک بچه ۵ ساله بنشینند و تئاتر ببینند بلکه دوست دارد در کنار هم سن و سال خودش و چه بسا بزرگسالان به تماشای تئاتر بنشینند. من خیلی خوشحالم که از اجرای سوم - چهارم این نمایش شاهد حضور نوجوانان روی صندلی های سالن بودیم که در کنار خانواده هاییشان برای دیدن نمایش آمده بودند. ما در این نمایش به دغدغه های مختلفی که نوجوانان امروز در ذهن دارند پرداخته ایم و چه جایی بهتر از تئاتر که نوجوانان ببینند به دغدغه هاییشان پرداخته می شود. با توجه به اینکه تئاتر به صورت غیر مستقیم تاثیر خوبی روی مخاطبش می گذارد خانواده هایی که به دیدن تئاتر می آیند نیز از این دغدغه ها آگاه می شوند. حتی بسیاری از خانواده ها بودند به ما موضوعات و دغدغه هایی که نیاز است در موردش صحبت شود را پیشنهاد کردند موضوعاتی مثل نظام وظیفه، عشق های نوجوانی، اعتیادی که امروز در بین نوجوانان شایع است. اما این چیز بست که باید با دوام باشد و به صورت پیوسته انجام شود و چیزی که دوام و پیوستگی نداشته باشد تاثیری هم ندارد مانند این است که بذری کاشته و رفته اید.

بنابراین باید جریان سازی شود!

داود زارع: بله دقیقاً در تئاتر نوجوان باید جریان سازی شود. چیزی که متأسفانه نیست و هر سال هم سمینارها و یا تحقیقاتی در این زمینه مطرح می شود اما در حد حرف باقی می ماند. حال علاوه بر حمایت کنندگان در دستگاه های اجرایی این کارگردانان و کسانی که از بطن جامعه هنری هستند که باید این تداوم را حفظ کنند. علاوه بر این ما باید سراغ آموزش نسل پس از خود برویم تا آنها نیز در آینده برای نسل خودشان تئاتر کار کنند و یا مخاطب تئاتر شوند و این بحث مهمی است.

نرگس اصغری: شاید بسیاری از این نوجوانان در سال های آینده دیگر تئاتر کار نکنند به جهت اینکه وارد رشته های دیگر می شوند و بحث دانشگاه و شغل پیش می آید ولی هدف ما این است که تئاتر آنقدر در ذهن آنها بماند و در جریان زندگی آنها موثر باشد که اثراتش به عنوان یادگاری در زندگی و روند رشدی که طی می کنند بماند.

نوجوانان یک گروه سنی بسیار حساس هستند که اغلب تعاملاتشان محدود به گروه سنی خودشان است شما با پرورش چه ویژگی هایی در خودتان به این تعامل دست پیدا کرده اید؟

نرگس اصغری: من همیشه تلاش کرده ام که کودک درونم را زنده نگه دارم. از طرفی ما یک دختر نوجوان داریم و تلاش می کنیم همپای دخترمان وارد فضاهایی که برای نوجوانان دوست داشتنی است شویم. مثلاً من اولین بار چندین سال پیش از طریق دخترم با اتاق فرار و کافه مافیا آشنا شدم، توجه به اینکه چه فیلم هایی را دوست دارد چه موسیقی گوش می دهد و همین همراهی با فرزند خودم باعث شده تا بتوانم با نوجوانان نیز همراه شوم و نوجوانان نیز آرام آرام شمارا در فضای خودشان می پذیرند و زمانی که خیلی دوستانه نه از موضع یک مربی و یا با نگاه از بالا به آنها نزدیک شوید هم با شما در دل می کنند و هم حرفتان را با گوش می کنند.

داود زارع: تولید تئاتر نوجوان بسیار سخت است. کار با بچه های نوجوان نیازمند این است که شما یک پس زمینه ای داشته باشید تا آنها به شما اعتماد کنند. تئاتر می تواند به اینکه بحران ها را پشت سر بگذاریم و حال بهتری داشته باشیم بسیار کمک کند و ابزار بسیار خوبی باشد تا ما با آسیب کمتری به یک ساحل امن برسیم. بنابراین تئاتر برای این سن بسیار خوب است. منتها ما نیاز داریم که پیش از آن با بچه ها ارتباط داشته باشیم تا ما را بپذیرند و قبول کنند و آن زمان است که شما می توانید با همراهی آنها چیزی را شکل بدهید که بتواند تاثیر گذار باشد.

ما روزهایی را داشتیم که مخاطبانمان و حتی پدران و مادران با دیدن نمایش اشک ریختند چون خودشان این موضوعات را تجربه کرده بودند و زمانی که می فهمیدند این موضوعات نمایش را، خود بازیگران و هنر جویمان در اختیار ما گذاشتند متعجب می شدند. در واقع همه این ها به خاطر آن اعتمادیست که فقط به خاطر رفاقت شکل گرفته است. برای انجام دادن کار تاثیر گذار برای مخاطب نوجوان اول باید مخاطب و موضوع را بشناسیم و بعد هم ابزار داشته باشیم و ابزار آن خود نوجوانان هستند به این ترتیب می توانیم در دل تماشاگران و مخاطب هدفمان نفوذ کنیم و اگر می خواهیم برای نوجوان کار کنیم در ابتدا باید با او رفیق شویم و بعد روی موضوعات و دغدغه های امروز کار کنیم.

در زمینه جشنواره هایی که به نمایش نوجوان می پردازند با چه چالش هایی روبرو هستید؟

نرگس اصغری: متأسفانه نه تنها در بخش کودک و نوجوان بلکه در تمام بخش ها ارزیابی در سنی از کارها انجام نمی شود. آنچه به عنوان کار بخش نوجوان در جشنواره ها می بینیم این سوال را پیش می آورد که اساساً چه تعریفی این اثر به عنوان کار نوجوان قلمداد شده است. اینکه صرفاً یک اثر مناسب کودک نباشد به این معنی نیست که اثر نوجوان است در صورتی که هیچ ربطی به دغدغه نوجوانی ندارد، هیچ نوجوانی در آن شرکت نکرده و چشم اندازی برای یک نوجوان در آن دیده نمی شود.

داود زارع: اینکه ما بخش جداگانه ای به عنوان بخش نوجوان در جشنواره داریم خیلی خوب است چرا که ما در این امر در حقیقت نوپا هستیم اما اینکه آثار بر اساس یک سری شاخصه های تکراری ارزیابی شود مسائلی به دنبال دارد.

ما در تئاتر کودکان و نوجوانان، تئاتر با بچه ها، تئاتر برای بچه ها و تئاتر در باره بچه ها داریم. نمایش «تفاوت عجیب ۱۶ سالگی» تئاتری با، برای و درباره نوجوانان بود. من فکر می کنم که باید شاخصه ها و تقسیم بندی های امتیاز دادن به تئاتر نوجوان را تفکیک کنیم و داوری برای این نمایش متفاوت باشد. حتی برای این کار داوران نوجوان داشته باشیم. مثلاً می توان از نوجوانانی که در انجمن های مختلف هنری فعالیت می کنند استفاده کرد چون ما برای خود این گروه سنی کار می کنیم. البته خوب است که داوران متخصص هم باشند اما باید از یک دیدگاه دیگر نیز آثار سنجیده شوند و همان شاخصه های تکراری که در همه جشنواره حاکم است روی این آثار حاکم نباشد. اما در این زمینه عنصر مهم دیگر تمجید و تشویق است. وقتی که می بینیم چند نوجوان با هم یک اثر هنری را شکل داده اند باید مورد تشویق قرار بگیرند. اینجا تشویق کردن صرفاً جایزه دادن نیست و اگر شعار ما این است که برای رشد و اعتلای نسل آینده تئاتر کار می کنیم باید بدانیم که یکی از شاخصه های رشد نیز تشویق است. متأسفانه جشنواره ها به داوری آثار یک سری آدم بزرگ که کار حرفه ای می کنند اختصاص پیدا کرده است.

نرگس اصغری: این بچه ها در سنی هستند که می خواهند دیده شوند و زمانی که چنین گروهی در جشنواره اجرا می کند باید توجه ویژه ای به آن صورت گیرد. اینجا ما به عنوان نویسنده و کارگردان مهم نیستیم بلکه نوجوانان اهمیت دارند و خوب است به جهت اینکه یک سال مداوم تمرین تئاتر کرده اند و یک اثر حرفه ای و یانیمه حرفه ای را روی صحنه آوردند در حد یک شاخه گل و یک تقدیرنامه مورد تشویق قرار بگیرند ولی متأسفانه همین کوچک ترین کار نیز از این نوجوانان دریغ می شود.

سخن پایانی

نرگس اصغری: من نوجوانان را تشویق می کنم که نه صرفاً در مرکز ما بلکه هر جایی که خودشان احساس خوبی دارند آموزش تئاتر ببینند و فعالیت کنند. چرا که تئاتر می تواند خیلی به آنها کمک کند و تجربیاتی را که شاید در زندگی نتوانند به دست بیاورند اینجا در تئاتر به دست خواهند آورد و برای بسیاری از نیازهایشان در تئاتر با خواندن، نوشتن و تعامل با همسالانشان پاسخی خواهند یافت. این چیزهای مثبتی است که نوجوانان ما به آن نیاز دارند. ما از معدود گروه هایی هستیم که داریم با نوجوانان و برای نوجوانان کار می کنیم بنابراین از مخاطبانمان می خواهیم همراهان باشند، کار دیگری در دست تولید داریم که با همین هنر جویمان روی صحنه خواهد رفت که از منظر و به شکل دیگری و با یک متن مکتوب کار خواهد شد. و امیدوارم مخاطبان همچنان این گروه تئاتری را دنبال کنند و بدانند که ما با عشق برایشان کار می کنیم.

داود زارع: ما و کسانی که در عرصه تئاتر فعالیت می کنیم هیچ موقع نباید بنشینیم و منتظر بمانیم که کسی بیاید و ما را حمایت کند و یا اینکه همه چیز نرمال و درست باشد تا ما کار کنیم بلکه این ما هستیم که باید چهار چوب بسازیم و کار خودمان را بکنیم. در واقع نباید منتظر بمانیم تا سالی، سانس یا بخشی به کار نوجوان اختصاص دهد.

